

خبر

حضور خاتم‌الانیا در یک پروژه انرژی جدید

فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا از ساخت فاز دوم خط لوله هفتم سراسری (خط لوله گاز پاکستان) و ادامه خط لوله ششم سراسری (خط لوله جدید گاز اروپا) از سوی این مجموعه خبر داد. سردار رستم قاسمی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به امضای توافقنامه ساخت فاز دوم خط لوله هفتم سراسری گفت: تاکنون توافقنامه اجرایی این پروژه گازی با شرکت ملی گاز ایران نهایی شده است.فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا با تأکید بر اینکه هم‌اکنون مطالعات مهندسی این خط لوله انتقال گاز طبیعی در حال انجام است، تصریح کرد: پیش‌بینی می‌شود فاز دوم خط لوله هفتم سراسری در مدت ۳۶ ماه اجرایی شود. هدف از اجرای فاز دوم خط لوله صلح، توسعه شبکه گاز در استان سیستان و بلوچستان و انتقال گاز تا مرز پاکستان به طول تقریبی ۲۷۰ کیلومتر است. در حال حاضر مذاکراتی توسط شرکت ملی گاز با برخی از فاینانسورهای داخلی و خارجی برای تأمین مالی فاز دوم خط لوله هفتم سراسری گاز و ادامه شبکه گازی از ایران‌شهر تا زاهدان و زابل در حال انجام است. پیشتر هم قرارداد ساخت فاز اول خط لوله هفتم (صلح) خردامه‌ها سال ۱۳۸۴ به طول تقریبی ۹۰۷ کیلومتر به ارزش تقریبی ۸۰۸ میلیون یورو (۱۲ هزار و ۱۴۰ میلیارد ریال) به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا واگذار شده بود. قاسمی همچنین از توافق با وزارت نفت برای ساخت ادامه خط لوله گاز ششم سراسری خبر داد و افزود: هم‌اکنون عملیات اجرای این خط لوله انتقال گاز طبیعی آغاز شده است.

ناآشنایی دستگاه‌های دولتی با وظایف خود در طرح هدفمند کردن بارانه‌ها

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در مورد عدم آشنایی دستگاه‌های دولتی در حوزه هدفمند کردن بارانه‌ها گفت: اگر بنا باشد طرح هدفمند کردن بارانه‌ها اجرا شود با وضعیت فعلی که دستگاه‌های اجرایی با وظایف خود در مورد طرح هدفمند کردن بارانه‌ها آشنا نیستند، با مشکل مواجه خواهیم شد. نماینده صومعه‌سرا تصریح کرد: اجرای بدون برنامه این طرح برای دولتی که دغدغه‌اش حل مشکل سرمایه‌گذاران است، برای مجلس و برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی‌ها ایجاد مشکل خواهد کرد چراکه هنوز بعضی از دستگاه‌های اجرایی آموزش لازم را برای اجرای این طرح ندیده‌اند و هنوز اطلاع دقیقی از مواد، تبصره و بندهای قانون هدفمند کردن بارانه‌ها ندارند.

اولین قدم برای تصویب اساننامه شرکت ملی نفت

یک‌فورتی قانون نفت و گاز در حالی دیروز به تصویب رسید که مجلس اولین قدم را برای تصویب اساننامه جدید شرکت ملی نفت برداشت. به گزارش فارس در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی یک‌فورتی نفت و گاز با رای مثبت نمایندگان به تصویب رسید. این گزارش حاکی است طرح قانون نفت و گاز به همراه قانون وزارت نفت و قانون اساننامه شرکت ملی نفت، طرح سه‌قلوئی نفتی را تشکیل می‌دهند. به گفته سیدعلی ادبانی یکی از اعضای کمیسیون انرژی مجلس به موازات تصویب قانون نفت و گاز، قانون وزارت نفت در مجلس بررسی خواهد شد و بعد از آنکه این دو قانون به تصویب نمایندگان مجلس رسید، قانون اساننامه شرکت ملی نفت برای رای‌گیری به مجلس شورای اسلامی برده می‌شود. این گزارش اضافه می‌کند در واقع این دو قانون؛ نفت و گاز و قانون وزارت نفت قوانین مادر برای تصویب اساننامه شرکت ملی نفت به شمار می‌روند.

اجرائی نشدن برخی مصوبات دور اول سفر استانی
محمدرضا خلیاز نماینده کاشمر، بردسکن و خلیل‌آباد در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تابناک گفت: در دور اول سفرهای استانی دولت نهم چندین پروژه برای کاشمر تصویب شده که تاکنون اجرایی نشده است. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به وعده مسوولان دولتی اظهار کرد: از جمله پروژه‌هایی که با وجود آنکه وعده آن توسط مسوولان داده شده ولی متأسفانه تاکنون اجرایی نشده است می‌توان به پروژه‌های فرودگاه شهید مدرس، راه‌آهن تربت حیدریه به سبزوار، دوبنده کردن محور شادان ـانارک به طول ۱۱۰ کیلومتر که تنها ۱۳ کیلومتر آن اجرا شده است، شهرک صنعتی خلیل‌آباد، بیمارستان خلیل‌آباد، سی‌تی‌اسکن بردسکن، مسکن مهر خلیل‌آباد و… اشاره کرد. نماینده کاشمر در ادامه با اشاره به آمارهای ارائه شده از سوی برخی مسوولان افزود: مسوولان اجرایی عنوان می‌کنند ۹۹ درصد مصوبه‌های دور اول سفرهای استانی اجرا شده است، چرا مسوولان آمارهای غیرواقعی می‌دهند؟ وی با بیان اینکه برآورد دقیقی از حجم خسارت خشکسالی انجام نشده، اما حجم خسارات بالاست، خاطرنشان کرد: موضوع دیگری که گریبان مردم را گرفته، خشکسالی است و هنوز اعتبارات خشکسالی ابلاغ نشده است. مردم حتی آب کشاورزی خود را از طریق تاکثر تأمین می‌کنند. محصولات کشاورزی از بین رفته و از محصولات کشاورزی منطقه فقط زعفران مانده چون آب زیادی لازم ندارد. در جلسهای که با وزیر کشور داشیم دستور خرید تاکثر داده شد، ولی تا تاکثر خریده نشود و آب به دست مردم نرسد، کاری انجام نشده است. وی گفت: حتی اعتبارات سرمازدگی که در ابتدای سال رخ داد، ابلاغ نشده و مردم در سختی به سر می‌برند.

هر آمدنی را رفتنی است ، لیک دلبستگی‌ها و عواطف ، پیوندهای استواری بوجود می آورند که جدایی را سخت می‌تابد ...

همکار محترم سرکار خانم تنگابنی

با عرض تسلیت و آرزوی صبر و شکیبایی برای شما و باز ماندگان

گروه تبلیغاتی فرتاک

سرکار خانم مهندس مهوش مهرافشار

و جناب آقای مهندس منوچهر شکوفی

با نهایت تاسف و تأثر درگذشت مرحومه خانم مغری مهر افشار

را به شما و خانواده محترم تان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای باز ماندگان آن درگذشته سلامتی و طول عمر مسالت می‌نماییم .

مجمع مهندسین مشاور ایران آرك

گروه اقتصادی: بازار چه نقشی در اقتصاد و سیاست ایران بازی می‌کند؟ در جریان‌های اخیر بازاریان تا چه اندازه محق هستند؟ نسبت بازار و ساختار اداری در فضای کنونی ایران چگونه است؟ حسن یونس‌سینکی معاون وزیر بازرگانی دولت اصلاحات با باز کردن این موضوع‌ها به نقش بازار در اقتصاد ایران پرداخته است.او با ارائه تعریفی از بازار حدود و ثغور آن را توضیح می‌دهد و به تعریف نسبت بازار سنتنی با فضای سیاسی می‌پردازد.او در لابه‌لای سخنان خود نقدی به برخی گروه‌های سیاسی وارد می‌کند که به جای تکیه بر تشکل‌های حرفه‌ای به دنبال استفاده از بازار از طریق احزاب سیاسی هستند.

– برخی معتقدند بازار سنتنی در ایران به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، توانسته در بسیاری از حوزه‌ها برای خود انحصار ایجاد کند و از آن به عنوان ابزاری در جهت برآورده کردن خواسته‌هایش استفاده کند. آیا می‌توان چنین نسبتی را در اقتصاد ایران صادق دانست؟

اگر قرار باشد در یک رفتار حرفه‌ای واژه‌های «انحصار» و «بازار سنتنی» را بازتعریف کنیم در وضعیت اقتصاد امروز کشور نسبت قابل اهمیتی در حوزه بازرگانی و تجارت در بازار سنتنی ایران و موضوع انحصار وجود ندارد. انحصار در یک شبکه فراگیر و سازمان یافته با داشتن فرصت‌های مشابه و شفاف در فرار از رفتارهای رسمی یا نمایش شکلی رفتارهای رسمی در مشروعیت بخشیدن به انحصار تجاری می‌شود. اگر معنای انحصار در حوزه بازرگانی مورد نظر است نسبت قابل توجه نیست چرا که مثلاً در فضای دو میلیون واحد صنفی خرد که به طور عام شبکه توزیع کشور را تشکیل داده‌اند چند درصد این شبکه به مفهوم واحدهای تجاری اعم از خرد و بنکدار متعلق به بازاریان است؟ حتماً این درصد انحصاری را تأیید نمی‌کنند. اما در کنار این کمیت اقتصادی یک حقیقت اجتماعی وجود دارد و آن این است که بازار سنتی در اقتصاد ایران از یک بار فرا اقتصادی نیز برخوردار است که موضوع در حضور اجتماعی این بخش از اقتصاد در دوران‌های گذشته و امروز کشور شکلی خاص به آن بخشیده است که خود بحث مفصلی دارد.

– شماایل کلی بازار در یک سیر تاریخی انحصاری بوده یا خیر؟ (با توجه به اینکه بازار دربر گیرنده سیستم توزیع است) اگر بوده دلیل شکل‌گیری این انحصار چه بوده است؟

باید توجه داشته باشیم بازار دربر گیرنده سیستم توزیع نیست بلکه بخشی از این سیستم است، البته این موضوع فقط در یک بحث اقتصادی قابل دفاع است اما تأثیرگذاری بازار سنتنی حتی در اندازه همین کمیت فعلی به نسبت کل شبکه اقتصادی امروز کشور را نمی‌توان در یک تحلیل اجتماعی در مسائل مختلف اجتماعی – سیاسی نادیده گرفت. اگر کمی دقیق‌تر به مساله نگاه کنیم می‌توان گفت اقتصاد ایران هر چه از یک اقتصاد سنتی فاصله گرفته و در جریان بازیابی و خودسازی خود به روش‌های جدید و تئوری‌های جدید و نوین اقتصادی توجه بیشتری کرده و نزدیک‌تر شده است به همین نسبت از تأثیرگذاری بازار سنتی در فرآیند اقتصاد توسعه‌ای کشور کاسته شده و هر چه اقتصاد ایران به شکل سنتی در قالب رفتارهای ملی و منطقه‌ای عمل کند نسبت تأثیرگذاری بازار بیشتر است، بنابراین میزان نفوذ بازار در شرایط اقتصاد کشور دست بازار نیست بلکه تحت تأثیر سیاست‌ها و قوانین موضوعی است که در اقتصاد کشور عمل می‌شود.

– آیا نقش فرااقتصادی بازار به حضور بازار سنتنی ایران در جریان‌های اجتماعی – سیاسی سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ارتباط آن با روحانیت بازمی‌گردد؟

بدون تردید و بر اساس مستندات تاریخی بازار سنتی ایران در رویدادهای سیاسی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تأثیرات جدی و اثر گذاری داشته است. مثلاً حضور بازار سنتنی ایران در موضوع مشروطیت، در مسائل مربوط به نهضت ملی شدن نفت در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ و در مساله مهم و تعیین‌کننده‌ای مثل جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲. البته نکته اساسی این تأثیرگذاری به نظر بنده قسبل از اینکه در یک رفتار اقتصادی محض قابل تحلیل باشد در یک جامعیت مذهبی و چگونگی شکل‌گیری بازار سنتنی معناپذیر است. در گذشته در کشور عموم بازارهای اقتصادی در جنب مساجد بزرگ شهرها یا در جنب مساجد جامع شهرها ساخته می‌شده است. رعایت احکام شرعی و شکل‌دهی رفتارهای مذهبی در مسائل کاسبی و تجارت از مسائل اساسی و قطعی بازاریان بوده است. بازار سنتی در تجارت ایران قبل از اینکه به عنوان

یک مجموعه اقتصادی تعریف شود یک مجموعه شکل‌گرفته با باورهای مذهبی بوده است. کسب حلال، معتمد بودن بازاریان، پرداخت وجوهات شرعی، رعایت آداب و احکام شرعی در معاملات و دادوستدها و... همه باینگر این مساله است که نمی‌توان مجموعه بازارهای سنتنی ایران را بدون اینس مسائل مورد تحلیل قرار داد. حتی حضور بازاریان و اصناف در مسائل اجتماعی که در بالا ذکر شد نیز جنبه‌های فرااقتصادی است از مسائل اقتصادی برای حضور بازاریان داشته

اقتصاد

گفت‌وگو با معاون اسبق وزیر بازرگانی

اعتراض‌ها ریشه سیاسی ندارد



است. مثلاً در جریان مشروطیت، حاکم‌وقت تهران به بهانه تثبیت قیمت قند و شکر دو نفر از بازاریان را که تاجر شکر بودند به فلک بست و آنها را شلاق زد. در پی این عمل بازاریان بازار را بسته و در مسجد امام گردهم آمدند و به علما پناه بردند و از جمله خواسته‌های آنها برای جبران توهینی که به بازاریان شده بود عزل علاءالدوله از حکومت تهران و تشکیل مجلسی برای رسیدگی به شکایات آنان بود. البته عین‌الدوله در ابتدا این درخواست را نپذیرفت و بعداً هم به گونه‌ای دیگر دنبال اجرای خواست بازاریان رفت که آنان نپذیرفتند. این یک نمونه کوچک از رفتار اجتماعی بازاریان بود که نه به هویت صنفی خود بلکه متأثر از روش و منش دینی آنها برای احقاق حقوق خویش به علمای وقت پناه بردند یا در موضوع نهضت ملی شدن صنعت نفت در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ بازاریان با تعطیل کردن بازار و شرکت در تظاهرات و نیز خرید اوراق قرضه ملی از حکومت دکتر مصدق پشتیبانی کردند. موضوع این پشتیبانی صرفاً یک رفتار اقتصادی نبود چرا که در شرایط اجتماعی و سیاسی دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ نهادهای مدنی در قالب فعالیت‌های حزبی و نهادهای حرفه‌ای صنفی، هویتی حقوقی و تأثیرگذار به شکل فراگیر پیدا نکرده بودند. در جامعه توسعه‌نیافته آن زمان به جز پیوندهای دینی برای رفتارهای اجتماعی فراگیر از هیچ جمعیت صنفی انتظاری به مفهوم حضوری با هویت صنفی و حرفه‌ای متصور نبود. اما بازار با تعریف حضور فرااقتصادی در مسائل اجتماعی با حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها پیامی فراتر از یک مجموعه صنفی را به جامعه منتقل می‌کرد و این پیام به خاطر هویت مذهبی جامعه ایرانی مورد پذیرش بود. نمایش

گسترده‌تر حضور بازاریان در مسائل اجتماعی که فراتر از هویت صنفی آنها بود در مسائل مربوط به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رخ داد. در مخالفت گسترده علما و مراجع به رهبری امام خمینی(ره) در قضیه مخالفت با انقلاب سفید، بازاریان به تاسی از امام(ره) و مراجع و با حمایت و پشتیبانی قاطع امام خمینی(ره) با برنامه شاه مخالفت کردند. اگر اشتباه نکنم اولین تظاهرات‌ها با پستن مغازه‌ها و تظاهرات در بازار تهران و میدان ارک و میدان بارفروش‌ها در تهران شروع شد.

– کجای این حضور سیاسی، اجتماعی در قالب یک رفتار اقتصادی است؟

به طور اساسی این حضور در تبعیت از امام خمینی(ره) بسیار فراتر از یک خواسته صنفی بود. البته قیام ۱۵ خرداد یک قیام فراگیر و ملی بود اما هسته‌های اولیه شکل‌گیری مخالفت‌های اجتماعی با بهره‌گیری از یک هویت مذهبی و در حوزه اصناف و بازاریان به وجود آمد و فراگیر شدن بسستن بازارهای دیگر استان‌ها از جمله بازار قم به تاسی از رفتارهای اولیه بازاریان و اصناف تهران شکل گرفت که موضوعاً تمامی این حرکات فراتر از یک رفتار اقتصادی تحت هدایت یک مرجع اقتصادی به نام بازار بود. از ویژگی‌های ممتاز بازار سنتی ایران در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این بود که در زمان فقدان نهادهای مدنی و احزاب مجموعه بازار سنتنی با هویتی کاملاً مذهبی در جریان

تحلیل کرد. در جریان پیروزی انقلاب اسلامی بدون تردید بازار سنتنی ایران و اصناف با به پای دیگر اقشار اجتماعی ذیل رهبری امام خمینی(ره) حضور داشته‌اند و در این پیروزی عظیم ایفای نقش کرده‌اند اما بنده معتقد نیستم در یک کالبدشکافی تحلیلی می‌توان مزیت‌های سیاسی یا اجتماعی و اقتصادی برای اقشار گوناگون در پیروزی انقلاب اسلامی تعریف کرد. افتخار همه اقشار اجتماعی ایران این است که در یک حرکت اسلامی و در یک انقلاب فراگیر ملی توانسته‌اند به تعبیر امام عزیزمان سرنوشت خودشان را خودشان رقم بزنند و این پیروزی بزرگی است که هیچ کس حق سهم‌خواهی از آن را ندارد. **– آیا ساختار بازار کمکی به توسعه کشور کرده یا ممانعی برای آن بوده است؟**

منظوران از ساختار بازار چیست؟ امروز نهادهای صنفی بر اساس قانون نظام صنفی در رفتارهای اقتصادی، اجتماعی اصناف و بازاریان دارای مسوولیت هستند. بر اساس قانون نظام صنفی شورای اصناف کشور بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و راهبری اصناف کشور است. بازاریان ذیل این نهاد مدنی در رفتارهای اقتصادی باید خود را پیدا کنند. حدود دو میلیون واحد صنفی و چندصد اتحادیه صنفی و مجامع امور صنفی باید موضوع اقتصادی، اجتماعی شبکه صنفی کشور را که به نوعی شبکه توزیع کشور است بر اساس قانون و سیاست‌های ابلاغی مدیریت کنند. بازار نیز در همین محدوده خود را بازیابی می‌کند. برای مثال در قضیه اخیر اعتراض بازاریان در مورد میزان مالیات‌های خود با توجه به همه ابزارهای سیاسی مورد استفاده، دولت برای حل مساله با شورای اصناف کشور گفت‌وگو و مساله را پیگیری کرد. بازارا هویت خود را در یک گفت‌وگوی حرفه‌ای و صنفی اما با مدیریت و تصمیم‌گیری شورای اصناف کشور دنبال کرد. بنابراین می‌خواهم عرض کنم در فعالیت‌های اقتصادی نگاه به ساختارهای اقتصادی قانونی است که در نظام صنفی کشور تعریف شده اعم از اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور که در صورتی که خواسته باشیم نقش بازار و اصناف را در توسعه کشور ارزیابی کنیم باید در ارزیابی این نهادهای صنفی قانونی به پاسخ برسیم. اما یک نکته مهم وجود دارد و آن این است که برخی افراد صنفی یا بازاری که چهره سیاسی یا عضویت سیاسی در برخی احزاب دارند در حضور اجتماعی، سیاسی خود، خود را نمایندگان بازار یا اصناف کشور مطرح کرده‌اند و با توجه به وابستگی‌های سیاسی خودشان موضوع تأیید یا پشتیبانی اصناف و بازاریان را از دولت وقت تحلیل و تبلیغ کرده می‌می‌کنند. اگر قرار باشد این عده را تحت عنوان بازاریان سیاسی صاحب‌نفوذ تعریف کنیم بیشتر این چهره‌ها را می‌توان در یک حزب پیدا کرد و از این رهگذر می‌توان به تحلیل نقش بازار در یک حضور غیرصنفی در فرآیند توسعه کشور پرداخت.

– آیا بازار همچنان با ساختار سیاسی در ارتباط است؟

اگر مقصود از بازار یک تشکل اقتصادی در شرایط فعلی اقتصاد کشور است همه اقشار اجتماعی با این تعریف با ساختار سیاسی در ارتباط هستند. اما در ادبیات سیاسی کشور وقتی صحبت از بازار می‌شود انتظار از بازار با فرهنگ سنتنی گذشته خود فروموش شده است و بازار مترادف با معنای یک جریان اقتصادی مولد درآمد برای حضور سیاسی تعریف‌شده در عرصه سیاسی کشور است.

نکته مهم این است که این تعریف که در رفتارهای تبلیغاتی برخی از چهره‌های سیاسی خودنمایی می‌کند بدون پشتوانه فراگیر حرفه‌ای در حوزه اصناف و بازاریان است چرا که تأثیرگذاری بازار در ساختار سیاسی بدون تردید باید در چارچوب نهادهای مدنی و قانونی اصناف کشور که در قانون نظام صنفی مصوب شده است، پیگیری شود نه در قالب فعالیت‌های سیاسی برخی از چهره‌های سیاسی احزاب.اما با فرعی کردن حضور و هویت حرفه‌ای و صنفی بازار و اصلی کردن حضور سیاسی بازاریان توسط بخشی از جناح راست چهره تبلیغاتی به گونه‌ای است که بخش قابل توجهی از بازار به مفهوم عام خود با خواست و انتظار سیاسی ساختار سیاسی همراه است که البته اعتراض‌های مودری این بخش اقتصادی کشور این خواست سیاسی را تأیید نمی‌کند.

– آیا در دو سال گذشته اعتراض بازاریان منطق اقتصادی داشته است یا خیر؟

باید این اعتراض‌ها دسته‌بندی و در مورد هر کدام به طور مجزا بحث شود، اما در یک نگاه کلی می‌توان تحلیل کرد اعتراض‌های بازاریان در حوزه فعالیت‌های اقتصادی بدون تردید متأثر از وضعیت اقتصادی کشور است. به گزارش‌های رسمی، نرخ رشد اقتصاد کشور در سال ۱۳۸۸ حدود ۱/۵ از چهار درصد گشته شده است. اما طبق قانون برنامه رشد اقتصادی باید حدود هشت درصد باشد؛ این یعنی عقب‌ماندگی و بروز مشکلات اقتصادی، نرخ بیکاری چقدر است؟ شاغلان کشور از حدود ۲۰ میلیون نفر در سال ۸۴ در سال ۸۹ به چند میلیون نفر افزایش یافته است. اگر در محاسبه‌های انجام‌شده یا در گزارش‌های تنظیم‌شده اعلام می‌شود از هر هشت فقره چک صادره، یک چک در نظام بانکی کشور برگشت می‌خورد، این دلیل چیست؟ میزان سرمایه‌گذاری، نه ثبت توافقات سرمایه‌گذاری بلکه سرمایه‌گذاری انجام‌شده چقدر است؟ همچنین بحث افزایش نقدینگی تا میزان حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان را چگونه باید تحلیل کرد؟ با این حساب آیا می‌توان گفت این اعتراض‌های بازار و اصناف غیراقتصادی است. آیا می‌توان تحلیل کرد که اعتراضات اقتصادی ریشه سیاسی دارد. بازاریان سیاسی که عمدتاً در احزاب و رسانه‌های نوشتاری و تصویری حضور دارند و دولت را در حوزه سیاسی مکرر و مستمر تأیید می‌کنند چگونه می‌توان پذیرفت اعتراضات صنفی ریشه سیاسی داشته باشد؟

حاشیه اقتصاد

خودکفا شدید، یک قطره بنزین وارد نمی‌شود

معاون اول رئیس جمهور با اشاره به سرمایه‌گذاری ۵۰ هزار میلیارد تومانی در پارس جنوبی در آینده نزدیک بر لزوم توسعه حمل و نقل ریلی تأکید کرد و گفت: بلافاصله پس از تحریم فروش بنزین به ایران، از سوی وزارت نفت اعلام خودکفایی شد. به گزارش فارس محمدرضا رحیمی افزود، در حال حاضر حتی یک قطره بنزین به کشور وارد نمی‌شود. رحیمی پیش از این نیز اظهار کرده بود ایران قرار است سه محموله بنزین صادر کند. به گزارش مهر حجت‌الاسلام سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی افزود، در حال حاضر تولید بنزین در کشور افزایش یافته و می‌توان گفت دیگر نیازی به واردات آن نیست و تولید داخلی برطرف‌کننده نیازهای کشور است.

افزایش قیمت برخی محصولات پتروشیمی

رئیس اتحادیه صادرکنندگان نفت، گاز و پتروشیمی از افزایش قیمت برخی محصولات پتروشیمی در بازار داخلی خبر داد. سیدحمید حسینی در گفت‌وگو با مهر با اشاره به افزایش قیمت برخی محصولات پتروشیمی در بازارهای داخلی اظهار داشت: هم‌اکنون برخی مواد پتروشیمیایی مورد نیاز واحدهای پایین‌دستی و صنایع تبدیلی همچون «گرایلیک» با افزایش قیمت قابل توجهی روبه‌رو شده‌اند. پیگیری‌ها از بازار فروش محصولات پتروشیمی نشان می‌دهد در هفته‌های اخیر قیمت برخی از محصولات مورد نیاز صنایع داخلی همچون جوش شیرین، مناتول، منواتیلن، گلایکول، اسید استیک، کربنات سدیم، دی‌اتیل گلایکول، اسید سولفوریک، اوره و آمونیاک افزایش قابل توجهی یافته است. دولت در برخی مجتمع‌ها طرح تولید بنزین را آغاز کرده است. حسینی در ادامه در خصوص برنامه وزارت نفت برای افزایش قیمت خوراک مجتمع‌های پتروشیمی با توجه به اجرای قانون هدفمند کردن بارانه‌ها توضیح داد: تاکنون روی قیمت و فرمول خوراک واحدهای مختلف پتروشیمیایی کار تخصصی انجام نشده است.

تولید بنزین در پتروشیمی بوعلی متوقف شد

شرکت ملی صنایع پتروشیمی به منظور تأمین نیاز بازار و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی، تولید بنزین در مجتمع پتروشیمی بوعلی سینا را متوقف کرد. به گزارش مهر، علی‌محمد بسلیزاده از تولید بنزین در مجتمع‌های پتروشیمی بندر امام خمینی(ره)، امیرکبیر، جهم، نوری و اراک خبر داد و گفت: پتروشیمی بوعلی سینا که به مدت چند هفته در حال تولید بنزین بود اکنون مشغول تولید مواد آروماتیکی است تا نیاز بازاری‌های داخلی را تأمین کند. طرح تولید ضربتی بنزین در شش مجتمع پتروشیمی از بیش از یک ماه گذشته تاکنون در شش مجتمع پتروشیمی آغاز شده بود که با اجرای این طرح امکان تولید روزانه ۱۹ میلیون لیتر بنزین فراهم شده‌بود. پیشتر عبدالحسین بیات‌معاون وزیر نفت‌با تأکید بر اینکه با تولید بنزین در پتروشیمی نیاز بازار داخلی و صنایع پایین‌دستی را تأمین می‌کنیم به مهر گفته بود: با اجرای طرح تولید بنزین بخش عمده‌ای از صادرات محصولات پتروشیمی متوقف شده‌است.

روش خودکفایی بنزین پایدار نیست

حمیدرضا کاتوزیان رئیس کمیسیون انرژی مجلس در مورد موضوع خودکفایی بنزین با یدآوری اینکه محدودیت‌های خارجی از خود را در خرید بنزین می‌گذارد، گفت: قبلاً در کمیسیون انرژی در مورد بهینه‌سازی پالایشگاه‌های موجود و ضرورت سرعت دادن به ساخت آنها مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس گفته بودیم، البته اقدام دولت و وزارت نفت باید پالایشگاه‌ها را برای تولید بنزین بهینه‌سازی کنند نه اینکه پتروشیمی‌ها را به مرکز تولید هر لیتر بنزین از رقم بنزین قوب خلیج فارس که در بنادر جنوب تخلیه می‌شود، خیلی بیشتر است و از طرف دیگر در نتیجه خودکفایی، بخش‌هایی که از پتروشیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دچار مشکل تعمیر و نگهداری و فرسودگی می‌شوند و با کمبود منابع روبه‌رو می‌شوند زیرا این مراکز خودشان از قبل تعهدی نسبت به تولید برخی محصولات ندارند که باید در مقابل آنها پاسخگو باشند. کاتوزیان تأکید کرد، البته بخشی از مشکلات بنزین که خاطر فشار بین جهانی است اما گاهی اوقات خودمان هم این فشارها را بیشتر می‌کنیم و امیدواریم دولت اتکالی اصلی خود را برای تولید بنزین روی پتروشیمی‌ها قرار ندهد. کاتوزیان ادامه داد: خودکفایی در بنزین در بلندمدت به ضرر ماست ولی در کوتاه‌مدت می‌توانیم امید داشته باشیم ولی برای یک دوره زمانی مشخص اجتناب‌ناپذیر است.

رکورد‌های اقتصادی زمان جنگ

بر اساس روایت نویسندگان کتاب اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی که از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات و مرکز اسناد دفاع مقدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انتشار یافته، پایین‌ترین نرخ رشد نقدینگی از سال ۱۳۵۲ تا امروز به یکی از سال‌های میانی جنگ تحمیلی متعلق بوده است. به عبارات دیگر این رکورد یعنی نرخ رشد شش درصدی نقدینگی هنوز در اقتصاد ایران تکرار نشده است. به تبع نرخ رشد نقدینگی مزبور، پایین‌ترین نرخ رشد تورم تجربه‌شده در تاریخ اقتصادی ایران از سال ۱۳۵۳ تا امروز باز هم متعلق به دوران جنگ تحمیلی است. در سال ۱۳۴۴ اقتصاد ایران تورم ۶/۹ درصدی را تجربه کرده که تا امروز تکرار نشده است. میزان متوسط سالانه واردات کشور از دوره‌های مشابه پس از جنگ مقدس می‌شود حکایت از آن دارد که کمترین میزان واردات در کل این دوره‌ها، مربوط به دوره جنگ تحمیلی بوده و این رکورد تاکنون تکرار نشده است. در سال شروع جنگ، درآمد عراق از محل صادرات نفت معادل ۲۶ میلیارد دلار بوده در حالی که درآمد ایران با وجود بهای بیش از ۲/۵ برابری کمتر از نصف عراق یعنی معادل ۱۱/۶ میلیارد دلار بوده است. با این آری عراق در سال شروع جنگ معادل ۳۵ میلیارد دلار و ذخایر ارزی ایران حدود ۵/۶ میلیارد دلار بوده است. در پایان جنگ تحمیلی در حالی که عراق بدهی خارجی ۸۶ میلیارد دلاری به جا گذاشته بود نه‌تنها بدهی خارجی ایران در این دوره صفر بوده است بلکه در همین دوره بخش قابل ملاحظه‌ای از بدهی‌های خارجی بازمانده از دوران پهلوی نیز پرداخت شده است.